

اصلاحات ساختاری در شرکت‌های ژاپنی موفقیت‌آمیز خواهد بود

اشاره:

فرآیند جهانی شدن اقتصاد در آخرین دهه قرن بیستم، شتاب سریعی گرفت. اصلاحات ساختاری برای دستیابی به سهم بزرگتر در اقتصاد و تجارت جهانی، نه تنها از سوی دولت‌ها، بلکه از سوی شرکت‌های بزرگ فراملیتی به عمل آمده و در این راستا دولت‌ها از طریق مقررات‌زدایی سعی کرده‌اند که مسیر توسعه شرکت‌های بزرگ را هموارتر سازند. در این حرکت بزرگ تاریخی، امریکا و شرکت‌های امریکایی پیشقدم بودند و در اروپا نیز با وجود دشواری‌هایی که برای اتحاد پولی و مالی رخ داد، سازمان‌دهی مجدد شرکت‌ها برای حفظ توان رقابت در عرصه بین‌المللی دنبال شد. اقتصاد ژاپن که در دهه گذشته با رشد اندکی روبه‌رو بود، دیرتر از امریکا و اروپا به اصلاحات ساختاری دست زده است، با این حال روند اصلاحات با پشتیبانی و تشویق دولت همچنان دنبال می‌شود، به گونه‌ای که اکثر کارشناسان و تحلیل‌گران به رشد اقتصادی سریع‌تر ژاپن در دهه کنونی خوش بین شده‌اند.

گزارش حاضر که برگرفته از مقاله «اصلاحات ساختاری در شرکت‌های ژاپنی» است که در نشریه «لوک جاپان» به چاپ رسیده و توسط خاتم لیلی عمرانی ترجمه و تلخیص شده است، نگاهی به فرآیند سازمان‌دهی مجدد شرکت‌های ژاپنی و روند ادغام این شرکت‌ها در شرکت‌های بزرگ امریکایی و اروپایی دارد. این گزارش پرسش‌هایی را مطرح کرده و سپس به پاسخ‌دهی به آنها پرداخته است.

دولت ژاپن چه نوع ابتکار عمل‌هایی در ترویج اصلاحات ساختاری یک‌پارچه به عمل آورده است و این اصلاحات چقدر مؤثر بوده‌اند؟ وضعیت کنونی اصلاحات ساختاری یک‌پارچه در ژاپن چیست؟ شرکت‌ها یا سرمایه‌گذاران خارجی چگونه به چنین اصلاحات ساختاری نظر انداخته‌اند و تحلیل‌های آنها چگونه بر راهبردها در بازار ژاپن تأثیر گذارده‌اند؟

دانوکوآچی، نایب رییس اجرایی شرکت تحقیقات میتسوبیshi این سؤالات و سایر موارد در تنظیم و جدول‌بندی دور آینده اصلاحات در شرکت‌های ژاپنی را بررسی می‌کند.

وی می‌نویسد: اقتصاد ژاپن در بحبوحه بزرگترین حالت انتقالی خود از پس از پایان جنگ جهانی دوم است. مدل سنتی که تاکنون از رشد سریع اقتصادی ژاپن حمایت و آن را تقویت کرده است، به نفع چیزهای

جدید، تجزیه شده و سقوط کرده است. اسطوره افزایش بی‌سابقه زمین، ساختار کی‌رتسو Keiretsu، اشتغال مادام‌العمر، نظام اصلی بانکی و سیستم قافله‌وار (پشت سر هم) و بسیاری از حالت‌های دیگر که مشخصه شرکت‌های ژاپنی در دوره پس از جنگ جهانی دوم است، به سرعت رو به تحول و پیشرفت است.

نیازی به گفتن نیست که تأکید بر این تحولات، موجی از تغییرات گوناگون را به دنبال دارد که پس از حرکت اقتصاد بازار در سراسر جهان بعد از پایان جنگ سرد نمود یافته است.

پس از آنکه اختلافات ملی در سیستم‌های حساسی و مقررات دولتی راه‌گشا شدند و موانع بین صنایع کاهش یافتند، در دهه ۱۹۹۰ عصر رقابت عظیم به وجود آمد و شرکت‌های آمریکایی به طور موفقیت‌آمیزی دامنه این رقابت را توسعه

دادند.

شرکت‌های اروپایی با یکپارچگی بازار اروپا، ایجاد یورو و انقلاب فناوری اطلاعاتی وارد رقابت شدند. اما شرکت‌های ژاپنی ضمن تلاش برای ردیابی با سقوط اقتصاد حباب‌گونه و گرایش امور تجاریشان به سوی بازار داخلی ژاپن، متأسفانه به دوره قبل از رقابت بزرگ برگشتند.

اما دولت هشدار یافته ژاپن بدون دست‌یابی به هیچ نشانه‌ای از بهبود در مشکلات موجود در سیستم مالی ژاپن، پرده از اصلاحات مالی عظیم ژاپن در سال ۱۹۹۶ برداشت.

دورنمای مالی ژاپن با اعلام برنامه‌هایی برای کنار گذاردن سیاست کهنه حمایت از مؤسسات مالی، به طرز مهم بار دیگر تنظیم شده است. اما تأثیر این اقدامات به سرعت در بخش‌های غیرمالی احساس شد. دولت ژاپن با درک فزاینده این که مدل

سنتی اقتصاد ژاپن برای کنار آمدن با پدیده جهانی شدن، باید به حال خود رها شود، در چند سال گذشته برای افزایش اصلاحات ساختاری یکپارچه از طریق نظارت بر قانون بازرگانی Commercial Code و تصویب قانون احیای صنایع، مبادرت به انجام چند برنامه و اقدام کرده است.

از آنجا که شرکت‌های ژاپنی نیز به پیمان نتایج دولت خود رسیده‌اند، بتدریج موارد ممنوعه را کنار گذاشتند و به سوی تغییرات ساختاری عمیق‌تر پیش رفتند.

رکود سرسخت و اقدام متقابل دولت ژاپنی‌ها اینک از «دهه از دست رفته» صحبت می‌کنند. در محاسباتی که بر مبنای داده‌های ارایه شده از سوی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه OECD در اختیار است، میانگین سالانه رشد واقعی تولید ناخالص داخلی ژاپن در دهه ۱۹۷۰ بالغ بر ۵/۲ درصد و در دهه ۱۹۸۰ بالغ بر ۳/۸ درصد به ثبت رسیده است. بر عکس، رشد اقتصادی این کشور در دهه ۱۹۹۰ کاهش یافت و به ۱/۷ درصد رسید. اقتصاد ژاپن پس از رکود طولانی اقتصادی، شروع به بهبود کرد، گرچه برخی عوامل نگران‌کننده همچنان وجود داشتند.

رشد اقتصادی ژاپن در دو سال مالی متوالی ۹۹-۱۹۹۸ تقلیل یافت. ولی در سال ۱۹۹۹ میلادی به میزان اندک ۰/۳ درصد رشد یافت. دولت ژاپن نرخ رشد اقتصادی این کشور در سال مالی منتهی به مارس ۲۰۰۰ را به میزان ۰/۵ درصد برآورد کرد.

بهای شاخص سهام بورس توکیو (میانگین ۲۲۵ سهم پایه نیکی) در نهم فوریه ۲۰۰۰ برای اولین بار در مدت ۲ سال و نیم قبل به ۲۰ هزار ین رسید که علت آن بهبود عملکرد شرکت‌های فعال در بخش فناوری اطلاعات بود.

آژانس برنامه‌ریزی اقتصادی در ژوئن ۱۹۹۹ متذکر شد که به لطف اقدامات مختلف دولت ژاپن، افت اقتصاد این کشور متوقف شده است. با این حال، هنوز برخی نگرانی‌ها باقی مانده است.

از آنجایی که بهبود اقتصادی فقط با اقدامات دولت حمایت می‌شود، در

بنیادی‌ترین سطح آن، باید اصلاحات ساختاری یکپارچه به اجرا درآیند.

برای مثال، ورشکستگی شرکت‌های کوچک و ساختار مجدد در شرکت‌های بزرگ، موجب افزایش میزان بی‌کاری در ژاپن و رسیدن آن به رقم بی‌سابقه ۴/۹ درصد نیروی فعال این کشور در مارس ۱۹۹۹ شد، ولی هنوز اشتغال کارکنان مازاد کاملاً از بین نرفته است.

اشتغال مازاد بر نیاز به همراه مازادهایی در جریان تولید و حساب بدهی‌ها، سه مشکل عمده است که بر اقتصاد ژاپن سنگینی می‌کند. استفاده بیش از حد از «تسهیلات» نشان‌دهنده آن است که شرکت‌های ژاپنی باید توجه بیشتری به کارآیی در بهره‌گیری از سرمایه داشته باشند. نیازی به گفتن نیست که از بین رفتن حباب دارایی‌ها عامل بزرگی در رکود دیربای اقتصاد ژاپن شده است. شاید دلیل این است که اعضای جامعه مالی ژاپن، از بین رفتن حباب مورد بحث را به عنوان یک پدیده گذرا تلقی کرده‌اند.

بر اساس یک نظریه دیگر، جامعه مالی ژاپن به دقت زیاد دولت عادت کرده و قابلیت خود را در ایجاد نظم تا حدودی از دست داده است. از این رو واژه یا عبارت (انفجار عظیم) Big Bang در سراسر جامعه مالی ژاپن به گوش می‌رسد.

با تلاش بیشتر در جهت تصفیه بدهی‌های بد که پس از سقوط حباب رشد صورت گرفت و نیز کاهش میزان اعطای اعتبار به شرکت‌های ژاپنی، استانداردها مستحکم شدند. مؤسسات مالی در پی سرنوینی مرکز اوراق بهادار یا مایچی و بانک هوکایدو تاشوکو مضمحل شدند. این رخدادها موجب کنترل بیشتر تقاضای مصرف شد، یعنی همان چیزی که تعداد فزاینده‌ای از ژاپنی‌ها بیم آن را در آینده داشتند. در عوض، میزان سود ادغام شده شرکت‌ها کاهش و ورشکستگی‌ها افزایش یافتند.

کابینه ابوچی که در ژوئیه ۱۹۹۸ فعال شد، روند احیای اقتصادی ژاپن را به عنوان یک مسأله بسیار عاجل توصیف کرد. گروه ابوچی اعلام کرد که در نظر دارد اقتصاد ژاپن

را ظرف مدت ۲ سال بهبود بخشد.

نخست‌وزیر ژاپن در اولین نطق سیاسی عمومی خود خطاب به نمایندگان مجلس این کشور سه برنامه را ارایه کرد:

۱- کاهش دایمی مالیات‌ها به میزان بیش از ۶ تریلیون ین

۲- ارایه دومین بودجه متمم به میزان بیش از ۱۰ تریلیون ین برای انجام کارهای عمومی

۳- نسبت قانون اصلاحات ساختار مالی

ضمناً یک «شورای راهبرد اقتصادی» تشکیل شد که کارش ارایه گزارش‌های مستقیم به نخست‌وزیر برای حصول به احیای اقتصادی و ایجاد یک جامعه دولت‌مند برای قرن ۲۱ است.

تا هنگامی که کابینه ابوچی در پی بیماری ناگهانی وی در آوریل استعفا داد، کل بدهی دولت به بالاترین سطح یعنی ۸۴ تریلیون ین رسید. ابوچی با کنایه گفت که به بزرگترین قرض‌کننده جهان تبدیل شده است.

اقدامات دولت برای انجام اصلاحات ساختاری یکپارچه

با توجه به برنامه‌های اقتصادی متمرکز بر اقدامات کارهای عمومی که به شدت گسترش یافته، مسأله بعدی در احیای اقتصاد، «بهبود زیست‌پذیری شرکت‌های ژاپنی» است.

به طور خلاصه، شرکت‌های ژاپنی باید سه معضل مازاد نیروی کار، ظرفیت‌های تولیدی و بدهی‌های کلان را حل کنند و این مازادها را کاهش دهند. این امر مستلزم آن است که این شرکت‌ها به طور جسورانه به بررسی و نظارت بر سازمان، کارهای تجاری، کارکنان، سرمایه و شرکت‌های تابعه بپردازند.

در میان این تلاش‌ها، دولت ابوچی به ویژه مشتاق بود از تقسیم‌بندی و تفکیک بخش‌های ادغام شده حمایت کند. انتقال محض عوامل تولید از سوی شرکت مادر احتمالاً برای تقویت شرکت کافی نیست.

از این رو تعداد زیادی از شرکت‌ها یا گروه‌های دارای شخصیت حقوقی اینک به سوی شرکت‌های تابعه ثبت شده از طریق از

بین بردن تقسیمات، روی می‌آوردند. ساختار مجدد سازمانی که از چارچوب فعلی فراتر می‌رود، به استفاده از زمینه‌های «غیرمتمرکز» امور تجاری نیاز خواهد داشت. دولت ژاپن از طریق مقررات‌زدایی و انگیزه‌های مالیاتی این گونه تلاش‌ها را مورد حمایت قرار می‌دهد.

دولت ابوچی برای ترویج و ارتقای این جزءبندی حقوقی، یک سری اقدامات جامعی را به عمل آورده است و همچنین مبادرت به ادغام نوعی فعالیت ادغامی کرده است.

در کسفرناس سران که بین سران کشورهای ژاپن و آمریکا در ماه مه ۱۹۹۹ در واشنگتن برگزار شد، دو کشور در مورد ادغام شرکت‌های آمریکایی و ژاپنی که موجب تسهیل در اصلاحات ساختاری در شرکت‌های ژاپنی خواهد شد، به توافق رسیدند.

در گزارشی در خصوص چارچوب گفت‌وگوهای فیما بین، دو طرف در مورد افزایش سختی بین‌المللی سیستم‌های مربوطه در باره گزارش ادغام شده درآمدها، حسابداری ارزش فعلی و تخصیص مالیات بر درآمد بین دوره‌ای، موافقت کردند.

ژاپن در ضمن قول داد از طریق متمم‌های قانونی در زمینه مستمری‌های حقوقی و گشودن باب سهام‌داری بین شرکت‌ها اقدامات تشویقی را به عمل آورد. همانطور که از این تلاش‌ها پیداست، دولت ژاپن معتقد است که مشارکت شرکت‌های پویای خارجی به تسریع روند بهبود اوضاع اقتصادی ژاپن کمک خواهد کرد.

دولت ابوچی در ابتدا از طریق اجرای یک «قانون برنامه‌های خاص تجدید حیات یا احیای صنعتی» در اوت ۱۹۹۹ و با حمایت «قانون برنامه‌های خاص وضع مالیات» اقداماتی را به عمل آورد. هدف اصلی این اقدامات همانا ترویج روند از بین بردن مازادهای سه‌گانه بود.

انگیزه‌ها با «قانون برنامه‌های خاص مالیات‌بندی» یکپارچه و هم‌سو شده‌اند. این برنامه‌ها شامل برنامه‌ای ۵ تا ۷ ساله است که بر مبنای آن، شرکت‌ها می‌توانند هر زمانی که از بابت حذف تسهیلات متحمل زیان‌هایی

می‌شوند، آن را از درآمد مالیاتی سال مالی بعد کسر کنند.

شرکت‌ها به خودی خود، به منظور بهره‌بردن از انگیزه‌های مالیاتی، زمینه‌هایی را مشخص می‌کنند و برنامه‌هایی را برای متمرکز ساختن اقدامات لازم در زمینه کاهش شمار کارکنان ترسیم می‌کنند.

علاوه بر این، شرکت‌ها مبادرت به اجرای برنامه‌هایی در جهت ساختار مجدد عملیات خود از طریق انتقال یا تعطیل کردن عملیات غیر سودآور می‌کنند. این برنامه‌ها سپس به وزیر تجارت بین‌الملل و صنایع یا سایر وزیران لایق جهت تصویب ارائه می‌شوند.

شرکت‌هایی که برنامه‌هایشان تصویب می‌شوند می‌توانند شیوه‌های ساده شده برای تفکیک عملیات خود اتخاذ کنند. این شیوه‌ها باید قانون تجدید حیات صنعتی قانون بازرگانی مربوط به انتقال عملیات را دربرگیرند.

دولت ابوچی در ضمن متمم‌های دیگر قانون بازرگانی را که ازسوی دولت هاشی موتو ابداع شده، به اجرا درآورد.

شرکت‌ها در اوت ۱۹۹۹ اجازه یافتند از طریق یک «روش تبادل سهام» در هم ادغام شوند. همانطور که تجربه نشان می‌دهد، به موجب این سیستم، شرکت ایجاد شده و شرکت مورد هدف، عمل ادغام را از طریق معاوضه سهام انجام می‌دهد.

این عمل اجازه می‌دهد که شرکت ایجاد شده با برخورداری از ۱۰۰ درصد بهره سهم در شرکت مورد هدف به یک شرکت مادر تبدیل شود. امتیازات عمده شامل قابلیت در به حداقل رساندن هزینه خرید یا کسب و کنترل بیش از حد بر هر گونه مخالفتی از سوی سهام‌داران اقلیت است.

در مسیایان اصلاحات در سیستم حسابداری حقوقی، تغییر جهت به سوی حسابداری یکپارچه ارزش فعلی تأثیر عظیمی بر اصلاحات ساختاری در شرکت‌های ژاپنی خواهد داشت. بر این اساس بیانیه‌های ترکیبی مالی برای شرکت مادر و شرکت‌های تابعه تهیه شده‌اند.

این سیستم به خوبی در غرب ایجاد شده است. این اقدام برای حصول اطمینان از این

است که وضعیت مالی و نتایج عملیاتی شرکت مادر و سایر شرکت‌های در گروه حقوقی، مرکب از ۲ شرکت یا بیشتر، در کنترل رابطه به طریقی جامع، ارایه شوند.

شرکت‌های ژاپنی به طور سنتی ملزم به افشای اطلاعات در گزارش‌های مربوط به اوراق بهادار خود شده‌اند.

بیانیه‌های یکپارچه مالی فقط باید شامل اطلاعات مالی برای مؤسساتی باشند که دست کم ۱۰ درصد کل دارایی‌های شرکت را تأمین مالی می‌کنند، ولی این روش اینک از بین رفته است.

سیستم جدید در سپتامبر ۱۹۹۹ پذیرفته شده است که این خود گامی مهم بوده است. از آن زمان به بعد، هر شرکت که کنترل بالفعل بر کار شرکت تابعه داشته باشد، ملزم است که روش حسابداری یکپارچه را در پیش گیرد که شامل اطلاعات مالی آن شرکت در بیانیه‌های یکپارچه مالی می‌باشد. به علاوه، یک شرکت مادر باید هر گونه معاملات تجاری را با چنین شرکت‌هایی فاش سازد.

پذیرش یک سیستم بایگانی مالیاتی یکپارچه "Consolidated" به آن زودی که دراصل مورد نظر بود، اجرا نشده است، ولی مشاوره‌هایی برای انجام این کار در دست انجام است و سیستم در نهایت مورد قبول واقع خواهد شد. در تهیه اطلاعات مالی آن زمانی که اسناد در پایان سال به موجب اصول حسابداری ارزش فعلی بسته می‌شوند، باید ارزش دارایی‌های یک شرکت مانند اوراق بهادار و مستغلات به بهای فعلی بازار ارایه شوند.

شرکت‌های ژاپنی به طور سنتی آزاد هستند که یا از مبنای قیمت و با استفاده از بهای خرید یک دارایی پیروی کنند و یا اینکه از کاهش هزینه یا شیوه بازار استفاده کنند. با وجود این، منتقدین این شیوه را در افشای سود و زیان سرمایه متهم کردند و شفافیت کار شرکت را محدود ساختند.

در نهایت اصول حسابداری ارزش فعلی همان وضعیتی را کسب کرده که اصول حسابداری بین‌المللی از سوی جامعه بین‌الملل از آن استفاده می‌کند.

در نتیجه، اصول حسابداری ارزش فعلی

General به اجرا درآمد. شرکت بیمه نیسی جنرال، شرکت فرعی نیپون لایف اینشورنس Nippon Life Insurance است و در ضمن در مرحله ادغام میان بانک‌های ساتوا، توکایی و آساهی می‌باشد.

نظر به اینکه شرکت‌های ادغام شده بین شرکت‌های ژاپنی به طور سنتی از سوی شرکت‌ها راساً تأمین مالی می‌شوند، محدودیت‌های مالی شدید بودند. با این حال شرکت‌ها به لطف شیوه مبادله سهام، قادر شده‌اند ادغام‌های با مخاطرات زیاد را بدون آنکه پول نقدی در دست باشد، انجام دهند.

بسا توجه به نیاز فزاینده به ادغام شرکت‌ها، این انتظار وجود داشت که شرکت‌های بیشتری از سیستم مبادله سهام بهره‌مند شوند. تأثیر اصلاحات در استانداردهای حسابداری اهمیت زیادی داشتند.

براساس آنچه در بورس توکیو تدوین شده است، ۷۵ درصد شرکت‌هایی که در مارس ۲۰۰۰ گزارش عملیات یکپارچه شده و غیریکپارچه خود را همزمان ارایه کردند، افزایش اساسی در سود عملیاتی به میزان بیش از ۴۸ درصد نسبت به سال ۱۹۹۹ را اعلام کردند.

در زمانی که تهیه گزارش غیریکپارچه (Unconsolidated) معمول بود، شرکت مادر احتمالاً ملزم بود عملیات تجاری غیرسوددهی را در شرکت‌های تابعه انجام دهد. آنها بارها همانند بانکی عمل کرده‌اند که هزینه‌های سرگرمی را تأمین می‌کند. آنها در ضمن به عنوان یک چتر نجات برای اعزام مأموران حقوقی عمل می‌کردند.

به همین دلایل، شرکت‌های تابعه غیرسودده به طور طبیعی زیاد شدند، در حالی که شرکت مادر قادر بود از عواقب موجود اجتناب کند. در واقع پیش از این، نتایج ضعیف در بیانیه‌های مالی شرکت مادر منعکس نمی‌شدند.

از آنجایی که استانداردهای حسابداری جهانی که به معنای گزارش ادغام شده است، اینک یک امر عادی شده، در واقع شرکت‌های ژاپنی شانس نداشتند به جز آنکه کل عملیات گروه را ساختار مجدد کنند.

موجب قانون تجدید حیات صنعتی صورت می‌گیرند. عمل مثبت در مورد تفکیک حقوقی ضروری است و مثبت مربوطه و مالیات‌های مجوز که بر اساس نرخ مالیاتی ثابتی که متناسب با مقدار سرمایه شرکت تعیین می‌شود، محاسبه می‌گردد.

اگر یک شرکت به موجب قانون تجدید حیات دارای کیفیت (کارایی) شود، در آن صورت می‌تواند در این مالیات، کاهش نصیبش شود، گاهی که جداسازی فعالیت‌های سودده از کارهای غیرسودده و افزایش سرمایه‌ها را تسهیل می‌کند.

بسیاری از ناظران معتقدند که چنین مواردی در آینده افزایش خواهد یافت. با این حال، تاکنون، تنها شرکت‌هایی که به لحاظ مثبت کاهش و مالیات مجوز در ارتباط با تفکیک حقوقی دارای کیفیت (کارآمد) شده‌اند، صنایع فلزات سومیتومو و جی‌آر هوکایدو JR Hokkaido هستند.

برخی مؤسسات ناظر مانند «میزونو یوجی» و نیهون کیزایی شیمبون اعلام کردند، کسانی در دولت و صنایع هنوز معتقد هستند که قبول چنین انگیزه‌های مالیاتی موجب ترویج حذف ظرفیت مازاد می‌شود. از سوی دیگر نتایج ناشی از سیستم مبادله سهام، جالب توجه می‌باشند.

نظر به اینکه این تصمیم به شرط اجرای سیستم مبادله سهام گرفته شد که به متمم‌های پیش‌نویس قانون بازرگانی مجلس ژاپن (Diet) ارایه شود، چندین شرکت اعلام کردند می‌خواهند از این سیستم بهره‌مند شوند. در مارس ۱۹۹۹، شرکت سونی اعلام کرد که در نظر دارد از سیستم مبادله سهام در برنامه خود برای تبدیل سه شرکت تابعه‌اش در شرکت مادر استفاده کند. در آوریل همان سال، ان‌تی‌تی اعلام کرد که قصد دارد اقدام مشابهی را انجام دهد. در ماه ژوئن صنایع فلزات سومیتومو اعلام کرد که می‌خواهد این سیستم را در فروش شرکت تابعه خود به کار گیرد.

از آن به بعد، این سیستم در بسیاری از سازمان‌های حقوقی اجرا شد. تا فوریه ۲۰۰۰، تعداد ۲۰۰۰ ادغام بین شرکت بیمه‌گذار دوافایر Dowa Fire و بیمه مسارین و بیمه نیسی جنرال Nissay

در مراحل مورد قبول خواهد بود و هدف آن هماهنگ‌سازی کامل این شیوه حسابداری در ژاپن از ژوئن ۲۰۰۱ به بعد است.

از آوریل ۲۰۰۰ زمانی که کابینه موری‌یوشیرو تشکیل شد، وزارت دادگستری شروع به بررسی متمم‌هایی برای قانون بازرگانی Commercial Code و رفتن به سوی ایجاد سیستمی برای افشای اطلاعات بر طبق اصول حسابداری ارزش فعلی کرد.

هدف این وزارتخانه ایجاد زمینه‌های قانونی برای ایجاد یک سیستم یکپارچه بایگانی مالیاتی و پرداخت سودهای سهام بر یک مبنای یکسان می‌باشد.

در ژانویه ۲۰۰۰، مقامات ذیربط چارچوب پیش‌نویسی را برای متمم‌های قانون بازرگانی تدوین کرد تا به این طریق شرکت‌ها را قادر به جداسازی فعالیت‌های سودده تجاری و رهاندن آنها از تقسیمات غیرسودده کند. این چارچوب در جلسه عادی مجلس ژاپن بررسی می‌شود. قانون پیشنهادی دو نوع تفکیک را ایجاد می‌کند زیرا قانون بازرگانی در حال حاضر شامل هیچ قوانین ذیربطی نیست.

مدل دوگانه اشاره به دو مدل مختلف برای تفکیک دارد. به موجب سیستم اول یا «تفکیک به وسیله شرکت جدید»، تفکیک شرکت اصلی برای تشکیل یک شرکت جدید یکپارچه صورت می‌گیرد.

به موجب سیستم دوم، «تفکیک از طریق خرید (مالکیت)» توسط یک شرکت جداگانه صورت می‌گیرد.

ضمناً آنچه که اجرا می‌شود، سیستمی برای اجرای شیوه‌های بازرسی توسط بازرس منصوب شده از سوی دادگاه است. در نهایت، ایجاد انگیزه‌های مالیاتی برای عملکرد در ارتباط با سیستم تفکیک شرکت مورد بررسی است.

مثال‌هایی از تجدید ساختار و منافع فزاینده ظاهری آن

چگونه اصلاحات ساختاری رواج یافته توسط دولت ابوجی مؤثر هستند؟

برخی شرکت‌ها به لحاظ کاهش‌هایی که در مالیات‌های مجوز و مثبت می‌دهند، کارایی بهتری یافته‌اند. این کاهش‌ها به

با تعیین سیستمی برای تصویب از ژوئن ۲۰۰۰، مؤسسات مالی و شرکت‌های گروه راهی نداشتند، به جز آنکه سهام اجرایی ضعیف را از سهام سرمایه‌گذاری خود کنار بگذارند.

بر اساس بررسی که از سوی بورس سهام توکیو انجام شد، ارزش فروش خالص سهام شرکت‌های ادغام شده در سال ۱۹۹۹ در بورس‌های سهام توکیو، اوزاکا و ناگویا به ۴ تریلیون ین رسید که یک رکورد تاریخی بود. بانک‌ها از جمله بانک‌های شهر و منطقه‌ای به جز بانک‌های تراست بیش از ۲ تریلیون ین از ارزش این ادغام‌ها را تشکیل دادند.

البته اغلب، دلایلی برای این امر وجود دارد که شامل نیاز به فراهم آوردن پول برای بازتستگی‌های زودتر از موعد مقرر و کاهش نیروی کار و همچنین تلاش بانک‌ها برای به جریان انداختن دارایی‌ها در جهت افزایش نسبت‌های سرمایه خودشان است. با این حال، تأثیر تغییر حرکت به سوی اصول حسابداری ارزش فملی یک عامل مهم است. گروه‌های حقوقی ژاپنی پس از جنگ دوم جهانی در مغایرت با «زی‌باتسو» در دوران پس از جنگ، تمرکز خود را روی مؤسسات مالی گذاشتند و سهامی را در شرکت‌های گروه خریدند.

بر اساس داده‌های مربوطه به توزیع مالکیت سهام که بر مبنای بیانیه کنفرانس ملی بورس‌های سهام، تدوین و جمع‌آوری شده، سهام خریداری شده از سوی مؤسسات مالی (منجمله بانک‌ها، بانک‌های تراست، تراست‌های سرمایه‌گذاری، تراست‌های مستمری و بیمه‌گذاران عمر و تلفات) بین نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۷ از مرز ۴۰ درصد مجموع سهام معامله شده در این مدت گذشت.

بانک‌ها سهام عملیاتی ضعیفی را در سهام اوراق بهادار خود کسب کردند، زیرا در آن شرایط نیازی به افزایش رقابت نداشتند. هیچیک از آنها از مشکلات جریان نقدینگی رنج نمی‌بردند، زیرا میزان حساب‌های سپرده در ژاپن در سطح بسیار بالایی بود. در نتیجه آنها هیچ تلاشی نکردند که خود را از شر این سهام رها کنند.

در ضمن شرکت‌ها از داشتن سهامداران ثبات نفع می‌بردند. به‌علاوه، آنها

می‌توانستند از سوی بانک اصلی تأمین مالی شوند و همکاری مؤثری از جانب شرکت‌های گروه دریافت کنند.

نظر به اینکه ثبات در داخل سیستم «کی‌رتسو» (Keiretsu) به خوبی حفظ شده بود، مدل رشد پس از جنگ دوم جهانی در ژاپن دوام یافت، اما بانک‌ها و شرکت‌ها در آینده راهی نخواهند داشت به جز آنکه عملیات خود را به‌طور فزاینده به خاطر سهامداران (شامل سرمایه‌گذاران نهادین ژاپنی و غیرژاپنی) اجرا کنند.

همان‌طور که دیده شد، سیستم مبادله سهام و نهادینه شدن استانداردهای حسابداری به یقین موجب تحریک اصلاحات ساختاری از سوی شرکت‌ها می‌شود.

از سوی دیگر، نمی‌توان این نتیجه را نادیده گرفت که نتایج همان نتایجی نیستند که اساساً موجب قانون تجدید حیات صنعتی موردنظر بودند. این رخدادها به‌طور عمده سخن از جهت‌گیری آینده سیاست اقتصادی ژاپن دارد.

در یک معنا، سیستم مبادله سهام به حذف نظارت دولت یا مقررات‌زدایی منجر می‌شود و استانداردهای بین‌المللی حسابداری گامی به سوی بین‌المللی شدن است، قانون تجدید حیات صنعتی در جهت ارتقای تفکیک حقوقی با اجرای حمایت و تشویق از سوی دولت است که حجم زیادی پول برای آن در نظر می‌گیرد.

برخی از ناظران می‌گویند که تصویب دولت، خود دلیلی برای اجرای این کار است. با این حال، انتظار می‌رود موارد کاهش در ثبت و مالیات مجوز به‌طور فزاینده‌ای به این مشکل بپردازد. از این رو، کار اجرای اصلاحات ساختاری حقوقی به‌عهده بازار و تصمیمات مدیریتی به‌عهده شرکت مربوطه گذاشته می‌شود.

مقررات کهنه، حمایت‌های دولتی و سیاست‌های صنعتی با هدایت دولت اینک فقط مانع فعالیت آزاد شرکت‌ها می‌شود. معرفی سیستم مبادله سهام فقط توسط دولتی انجام می‌شود که در نهایت از چنین مقرراتی دست برداشته است.

علاوه بر این، معرفی استانداردهای بین‌المللی حسابداری منتج از درک دولت

است که چنین استانداردهایی با توجه به محیط زیست خارجی محاط بر شرکت‌های ژاپنی به واقع ضرورت دارند.

نمونه‌های بسیاری که طی آنها مالیات ثبت و مجوز به موجب قانون تجدید حیات صنایع کاهش یافته‌اند، نشان‌دهنده این حقیقت است که مالیات می‌تواند مانعی بر سر راه اصلاحات باشد.

اتکال شرکت‌ها به حمایت مالی دولت برای اجرای اصلاحات ساختاری نشانگر ضعف در موفقیت مدلی است که از سوی شرکت‌های ژاپنی به کار گرفته شده است و اشاره به آن مدلی است که طی دوره رشد سریع اقتصادی پس از جنگ و همچنین ۲۰ سال رشد ثابت پس از آن که از ۱۹۷۰ شروع شد، وجود داشته است.

شرکت‌های ژاپنی نسبت به ضعف فزاینده خود در وابستگی به دولت تردیدی ندارند اما هیچیک از شرکت‌ها یا دولت ژاپن نباید اسیر موفقیت خود باشند. با این حال، احساس خطر در خصوص ضرورت اجرای اصلاحات همچنان در میان ژاپنی‌ها وجود دارد.

با این وجود، بخش خصوصی باید اینک تلاش‌های زیادی در جهت اصلاحات تعیین شده با تمرکز به ساختار مجدد امور تجاری از طریق انتخاب و تمرکز به‌عمل آورند، همان‌طور که گفته می‌شود: «خطر به معنای فرصت» است.

واقعیات اصلاحات ساختاری توسط شرکت‌ها

اصلاحات ساختاری خوشبختانه در شرکت‌های ژاپنی به‌طور ثابت در حال پیشروی است. این پیشروی به خاطر رهنمودهای دولت نیست، بلکه به خاطر راهبردهای شرکت‌ها می‌باشد و البته در این رهگذر از رهنمودهای بازار و تشویق دولت کمک گرفته شده است. در ژاپن واژه «ساختار مجدد» بیشتر به معنای «کاهش مشاغل» است.

با این حال، ساختار مجدد در معنای اصلی آن به کاهش شغل اشاره ندارد، بلکه به کاهش در مدیریت‌ها، عملیات تجاری و گروه شرکت‌ها و همچنین سازمان‌دهی مجدد ساختار مالی برای کاهش هزینه سرمایه

که در رقابت عظیم ایجاد بازار متحد اروپا دچار آشفتگی شده‌اند، را مورد تأکید قرار داده‌اند.

مثال‌ها در این مورد زیاد هستند. در بخش فناوری اطلاعات، بخش مخابرات انگلیس دارای یک شرط تساوی حقوق در مسخ‌مخابرات ژاپن است. در بسخس خودروسازی، رنوی فرانسه دارای چنین شرط یا سهمی در نیمان‌موتور است.

صنعت نفت شاهد ادغام بین «تونن» (Tonnen) و جنرال سکایو (General Sekiyu) به رهبری شرکت مادر یعنی اگزان‌موویل بوده است.

شرکت آمریکایی مریل لینچ در بخش امور مالی مبادرت به خرید فروشگاه‌های مؤسسه سابق اوراق بهادار یا مایچی کرده است.

همان‌گونه که در این اقدامات مشاهده شد، تعداد زیادی از ادغام‌ها در ارتباط با شرکت‌های ژاپنی در بخش‌هایی است که در دست سازمان‌دهی مجدد سریع در غرب هستند.

ناظران از نزدیک مشاهده می‌کنند که این تحولات چه تأثیری در بخش‌هایی همچون توزیع، کارخانه‌های برق و گاز و مواد دارویی خواهند داشت.

هر چه ساختار شرکت‌های ژاپنی دقیق‌تر استانداردهای جهانی را منعکس کند، این روند قوی‌تر خواهد شد. حتی اگر غیرممکن باشد که به روند رشد سریع اقتصادی ژاپن در گذشته بازگردیم، ولی این کشور می‌تواند به‌طور بالقوه رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۳ تا ۴ درصد را به‌دست آورده، یعنی همان چیزی که در غرب شاهد آن بودیم.

طی چند سال گذشته، خوشبختانه، احساس فزاینده‌ای از خطر و هشدار در صنایع ژاپن در مورد نیاز به آزمودن مدل جدید وجود داشته است، اینک زمان خوبی است که به سوی مدل جدید گام برداریم.

زمانی که این امر رخ دهد، برای ژاپن مهم خواهد بود که در فرآیند جهانی شدن، با غرب همکاری کند و از موفقیت مشترک با همسایگان آسیایی‌اش نیز منتفع گردد.

ادغام‌ها را داشته‌اند. شتاب در ادغام شرکت‌ها تا نیمه اول سال ۲۰۰۰ نسبت به مدت مشابه سال ۱۹۹۹ بسیار زیاد بود. کل ارزش این ادغام‌ها در سه‌ماهه اول سال ۲۰۰۰ حدود همان میزان دوره مشابه سال قبل بود.

طی چند سال گذشته، بسیاری از شرکت‌های فعال در امور ادغام شرکت‌ها موجب توسعه بازار ژاپن شده‌اند که شامل شرکت‌هایی همچون «سالومون»، «اسمیت بارنی»، «مریل لینچ»، «جی.ای. کاپیتال»، «واربورگ بین‌کاس»، «پرایس واتر هاوز کوپرز»، «اتی کرنی»، «آندرسن کانسانلینگ» و سایرین بوده‌اند.

طرف‌های اصلی درگیر در این عملیات، واسطه‌ها نبوده‌اند، بلکه مدیران شرکت‌ها بوده‌اند. اخیراً شرکت‌ها با سایر انگیزه‌ها از تغییر سهام امور تجارت گرفته تا مقابله با یکی شدن، در میان رقبای ماوراء‌البحری دست به ادغام زده‌اند.

ژاپن معرف دومین بازار بزرگ جهان در زمینه ادغام شرکت‌ها است، ولی موانع بر سر راه ثبت آن بسیار مهم است.

اینک که بازار ژاپن، دنباله‌روی روندی به سوی مقررات‌زدایی (حذف نظارت دولت) است، محیط کاری این کشور، با افراد غیرژاپنی پر شده است.

همان‌طور که در توافقنامه منعقد شده بین آمریکا و ژاپن در اجلاس سران مشاهده شد، بازار ژاپن در حقیقت فقط از این چنین شرکت‌هایی استقبال می‌کند.

برای شرکت‌های غیرژاپنی، مسأله ادغام با هم‌تای ژاپنی مؤثرترین ابزار برای ورود به بازار ژاپن است که این امر نیاز به تسهیلات و مسیرهای توزیع و همچنین دانش فنی و نیروی کار ژاپنی لازم برای محلی کردن کالاها و خدمات دارد.

شرکت‌های ژاپنی به عنوان «سیستم معاوضه تساوی حقوق» و سایر جوانب زیربنایی به‌طور فزاینده‌ای به چنین روش‌هایی روی خواهند آورد.

اینها برخی از عوامل اساسی هستند که استفاده از ادغام‌شوندگان برای ورود به بازار ژاپن از سوی شرکت‌های آمریکایی (شرکت‌های آمریکایی که خود پرچمدار بازار جهانی هستند) و شرکت‌های اروپایی

است. ضروریات انجام ساختار مجدد با بیان "3S" مشخص شده که یکی "Structure" برای تعبیر ساختاری در معنای گسترده آن، "System" برای تغییرات در سیستم انجام کار و "Style" برای اصلاحات در آگاهی و تفکر مدیریت است.

در شرکت‌های ژاپنی که دارای مشکل وقت برای کاهش شدید در تعداد کارکنان هستند، تلاش‌های ساختار مجدد از طریق سازمان‌دهی مجدد شرکت‌های گروه به عمل می‌آید.

افزایش اصلاحات ساختاری در شرکت‌ها از طریق عملیات ادغام در پاسخ به رکود صورت نگرفته است. این اقدامات به عنوان ابزاری برای کنار آمدن با دگرگونی‌ها در ساختار اقتصادی ژاپن است که شامل انفجار عظیم (Big Bang) و تغییرات در محیط زیست بین‌الملل می‌باشد.

اینها شامل انقلاب فناوری اطلاعاتی، حذف موانع بین صنایع و سایر شکل‌های مقررات‌زدایی در بسیاری از کشورهاست.

عملیات ادغام از سوی شرکت‌های ژاپنی با هدف مطمئن شدن از بقا در «جهان بسیاری شرکت‌های جدید» منجمله رقبای روبه‌رشد بزرگ غربی است که خودشان را در بازار جهانی رو به توسعه جا داده‌اند. از جمله شرکت‌های دیگر، شرکت‌های خارجی هستند که به عنوان بازار رو به‌رشد بعدی پس از تشدید رقابت در اروپا و آمریکا به ژاپن روی آورده‌اند و مورد دیگر صندوق‌های مستمری‌بگیران هستند که بیشتر به عنوان سرمایه‌گذاران نهادی عمل می‌کنند.

با این حال تغییر دیگر همانا سیل فزاینده جریان آزاد سرمایه بین‌المللی است. به گفته مدیر شرکت «داده‌های اوراق بهادار مالی تامسون»، کل ارزش ادغام‌ها در سراسر جهان در سال ۱۹۹۹ به سطح رکوردگونه ۳/۳ تریلیون دلار رسید.

ارزش ادغام‌ها در آمریکا ۱/۴ تریلیون دلار بود که ۱۹ درصد نسبت به سال ۱۹۹۸ رشد نشان داد. این رقم در اروپا ۱/۲ تریلیون دلار بود که ۱۰۵ درصد افزایش را نشان داد.

هر دوی این ارقام در سطح رکوردگونه‌ای هستند و آمریکا و انگلیس بخش بزرگی از این

